

جایگاه اماکن زیارتی در توسعه گردشگری ایران

نادر ریاحی سامانی

معرفی اجمالی

اثر مذکور دارای شش فصل است:

فصل اول: مفاهیم و ابعاد گردشگری (۹-۴۹)؛ فصل دوم: روند توسعه گردشگری در ایران و جهان (۵۲-۹۳)؛ فصل سوم: مدیریت اماکن زیارتی در ایران (۹۹-۱۳۵)؛ فصل چهارم: گردشگری زیارتی در ایران (۱۳۷-۱۶۶)؛ فصل پنجم: اماکن زیارتی (۱۶۸-۲۰۳)؛ فصل ششم: راهبردهای توسعه گردشگری زیارتی در ایران (۲۱۴-۲۲۳)

نقد اثر

تا آنجایی که نگارنده این سطور مطلع است، این اثر اولین نگاهشسته تخصصی در حوزه گردشگری مذهبی به زبان فارسی است؛ از این رو باید بسیاری از لغزش‌های مؤلف را نادیده گرفت، با این حال نکاتی چند به نظر می‌رسد که تذکر آنها خالی از فائده نیست. این تذکرات را در دو بخش تذکرات کلی و تذکرات جزئی در ادامه ذکر می‌کنیم. منظور از تذکرات کلی، ذکر لغزش‌هایی است که در سرتاسر کتاب به چشم می‌خورد بر خلاف تذکرات جزئی.

تذکرات کلی:

۱. شیوهٔ ارجاع به منابع در این اثر به سبک دایرة المعارف‌ها و مقاله‌هاست. مثلاً در ص ۱۰ آمده است: «در فرهنگ لغت، گردشگری را باید در اقطار عالم سفر کردن به منظور شناخت و آگاهی دانست. (معین، ۱۳۷۰)»، که مؤلف می‌بایست در پاورقی، نخست نام کتاب را ذکر می‌کرد، سپس شمارهٔ جلد، و در آخر شمارهٔ صفحهٔ منبع مورد نظر.

این اشکال در سرتا سرتا دیده می‌شود. برای نمونه رک: ص ۱۱، ص ۱۹، ص ۲۰، و...

۲. بسیاری از مباحث این اثر چندان به موضوع اصلی (یعنی نقش اماکن زیارتی در گردشگری) ارتباط ندارد، بلکه بیشتر به روده‌درازی و تفصیل بدون فائده می‌ماند. از جملهٔ این مباحث می‌توان به این موارد اشاره کرد:

الف - نمودارها و جدول‌هایی که در ص ۸۷ - ۹۸ آمده است.

ب - نموداری که دربارهٔ ساختار تشکیلات سازمان گردشگری کشور کانادا آمده است (ص ۱۱۱).

ج - نموداری که دربارهٔ ساختار تشکیلات سازمان گردشگری کشور مالزی آمده است (ص ۱۱۵).

د. نموداری که دربارهٔ ساختار تشکیلات سازمان گردشگری کشور هند آمده است (ص ۱۱۸).

هـ - نمودار ساختار سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (ص ۱۳۲).

و - نمودارهایی که در فصل پنجم (اماکن زیارتی در ایران) آمده است.

۳. استفادهٔ نابجا از منابع:

گاه به جای استفاده از منابع اصلی، به منابع فرعی دست چندم مراجعه شده است.

در ذیل به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

الف - در بحث لغوی زیارت (ص ۱۴۸) از کتاب پژوهشی دربارهٔ زیارت‌های جمعه آقای سید کاظم موسوی استفاده شده، در حالی که می‌بایست مستقیماً به یک لغت‌نامهٔ عربی مراجعه می‌شد.

ب - در مبحث زیارت، سیاحت و گردشگری از دیدگاه اسلام آمده: «همچنین از نظر قرآن علاقه به کمال و تفریح و تفرج...» (ص ۱۵۰-۱۵۱) مستند این موارد کتاب سیمای جهانگردی اسلام اثر آقای رحیم پور است، در حالی که برای استناد به آیات قرآن باید به قرآن مراجعه کرد نه کتاب دیگری.

ج - در ص ۱۵۷ آمده: «همچنین مسافرت به شهرهای مذهبی و زیارت‌تگاه‌های... پسندیده می‌باشد. زیارت خانهٔ خدا، مرقد رسول ﷺ...» از مواردی است که

در متون دینی به آنها اشاره شده است. (سایت آفتاب).

آیا برای اثبات مطلبی اعتقادی و شرعی - آن هم مطلبی که تدوین این کتاب حول آن است - تنها استناد به یک سایت دست چندم پسندیده است؟! این در حالی است که مراجعه به کتاب های روایی مثل کامل الزیارات ابن قولویه می توانست به غنای این مطلب بیفزاید.

۴. عدم ذکر منابع: مثلاً در ص ۱۵۹ روایت از حضرت امام صادق علیه السلام در مورد حق همسفر آمده، ولی به هیچ منبعی استناد نشده است.

نذکرات جزئی

۱. در ص ۱۰ مؤلف در ابتدا به تعریف گردشگری در لغت و اصطلاح پرداخته، ولی مرزی بین تعریف لغوی و تعریف اصطلاحی نگذاشته است که بهتر بود به این مسأله توجه می کرد.

۲. مؤلف در ص ۱۸-۲۵ به مبحث گونه شناسی انواع گردشگری بر اساس اهداف سفر می پردازد، ولی:

اولاً: این تقسیم بندی کامل نیست؛ مثلاً از گردشگری آموزشی (بورس های تحصیلی و تحقیقاتی) و یا گردشگری صنعتی سخنی به میان نیامده است.

ثانیاً: گاه بعضی از گردشگری ها نوع

دیگری از گردشگری را در بر می گیرد؛ مثلاً شاید در یک نگاه کلی گردشگری مذهبی نوعی از گردشگری فرهنگی باشد و یا گردشگری اجتماعی - با توجه به تعریفی که در این کتاب از آن شده - گونه جدایی نیست؛ به عبارت دیگر، قسیم دیگر انواع نیست، بلکه این گردشگری گاه می تواند گردشگری طبیعت باشد یا گردشگری سلامت و ...

۳. تخریب یادمان های باستانی را از جمله مصادیق جنبه های منفی توسعه گردشگری در حوزه محیط زیست (ص ۳۱) به شمار آوردن، شاید چندان درست نباشد، بلکه این کار از اثرات منفی در حوزه فرهنگی و اجتماعی گردشگری است.

۴. از آنجا که در تدوین بخش مفصلی از فصل اول - یعنی: انواع جاذبه های گردشگری (ص ۳۳ به بعد) - از منابع لاتین استفاده شده، مثال های ذکر شده در این منابع هم عیناً ذکر شده است، در حالی که می شد به نمونه هایی از این مثال ها در ایران اشاره کرد. مثلاً به جای (ویا لا اقل در کنار) جزایر ماسیفیک (ص ۳۶) می شد از جزایر خلیج فارس (مثل کیش) نام برد؛ و یا به جای پارک حیوانات وحشی کالیفرنیا، باغ پرندگان کرج را که در خاور میانه نمونه است ذکر کرد؛ و یا به جای چشمه های

الف - در استان اصفهان امامزاده شاهرضا از قلم افتاده است؛ و یا به قبرستان تخت فولاد، که مهم‌ترین قبرستان ایران است اصلاً اشاره نشده است.

ب - در استان قم امامزاده شاه سید علی، امامزاده موسی مبرقع و یا مجموعه «چهل اختران» که محل دفن چهل امامزاده است از قلم افتاده، در حالی که شهرت این اماکن در استان قم از آنچه مؤلف محترم ذکر کرده بیشتر است و حتی زائرانی از کشورهای دیگر - مثل عراق و پاکستان - به زیارت این اماکن می‌آیند.

ج - در استان خراسان رضوی، به خواجه ربیع و پیر پالان‌دوز اشاره نشده است.

د - به طور کلی به غیر از حضرت دانیال ع‌ل‌یه‌ال‌س‌لام که در شوش مدفون است، از دیگر انبیای الهی که در ایران مدفونند غفلت شده است، در حالی که بالغ بر ده پیامبر الهی در ایران به خاک سپرده شده‌اند و حتی کتابی هم در همین زمینه با خصوصیات کتاب‌شناختی زیر چاپ و منتشر شده است: پیامبران سرزمین ما، تألیف عباس صالح مدرسه‌ای، تهران: پیام آزادی؛ و اصولاً معلوم نیست معیار مؤلف برای گزینش امکان زیارتی چه بوده است؟ به نظر می‌رسد معیار او برای انتخاب بر اساس شناخت شخصی بوده و یا اصلاً

معدنی شرق اروپا (ص ۳۸) از چشمه آب گرم محلات و یا چشمه های آب گرم استان اردبیل یاد کرد. البته این نقیصه تنها به این فصل اختصاص ندارد، بلکه در بخش‌های بعدی هم به چشم می‌خورد. مثلاً در بخش جشنواره‌های فرهنگی از فستیوال فرهنگی هاوایی (ص ۴۳) نام برده می‌شود، در حالی که جشنواره سالیانه فیلم فجر و یا نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران نمونه‌های ملموس‌تری برای خواننده ایرانی این اثر است.

۵. پرداختن به تروریسم به عنوان یک مانع برای سفر گردشگران (ص ۵۰) آن هم در نصف صفحه چندان مطلوب نیست. بهتر بود صفحات بیشتری به این مبحث اختصاص می‌یافت. البته می‌بایست در ابتدا به عوامل توسعه گردشگری اشاره شود (که متأسفانه بخشی مستقل به این مبحث اختصاص نیافته است)، آنگاه در ذیل آن به موانع گردشگری پرداخته می‌شد.

۶. مفهوم زیارت از لحاظ لغت و اصطلاح در ص ۱۴۸ - یعنی پس از گذشتن بیشتر از نیمی از کتاب - آمده، در حالی که چینی منطقی مباحث اقتضا می‌کند تعاریفات و تبیین مفاهیم در ابتدای اثر باشد.

۷. معرفی مهم‌ترین اماکن زیارتی ایران به تفکیک استان‌ها ناقص است. از جمله:

معیاری نداشته است.

نگاشته او اثری مفیدتر بود. المزار شیخ مفید، کامل الزیارات ابن قولویه و المزار مرحوم مشهدی از جمله منابعی هستند که مؤلف محترم می‌بایست به آنها مراجعه می‌کرد؛ البته بسیاری از این منابع - از جمله کامل الزیارات - به فارسی هم ترجمه شده و نیاز چندانی به آشنایی با زبان عربی نیست.

البته به حکم آن که «عیب می‌جمله بگفتی هنرش نیز بگو»، چنان‌که در ابتدای این نوشتار گفتیم، این اثر اولین نگاشته تخصصی در حوزه گردشگری مذهبی به زبان فارسی است و شایسته است بسیاری از لغزش‌های مؤلف را نادیده گرفت. این اثر مسلماً راهنمای دیگر نویسندگان در این زمینه خواهد شد. همچنین نثر روان مؤلف محترم و ویراستاری و استفاده بجا از نمادهای ویرایشی، از دیگر نکات مثبت این اثر است که نباید نادیده گرفت.

پی‌نوشت

۱. خصوصیات کتاب‌شناختی اثر: ریاحی سامانی، نادر. جایگاه اماکن زیارتی در توسعه گردشگری ایران، تهران: سازمان چاپ و انتشارات چاپ اول. ۱۳۸۹. شمارگان: ۲۰۰۰، ۲۵۶ص، ۳۷۰۰تومان.

۸. در فصل پنجم که به اماکن زیارتی در ایران اختصاص یافته، تقریباً در هر صفحه یک نمودار آمده است که چندان لزومی ندارد. بهتر بود به جای این نمودارها از هر استان، یک عکس از امامزاده‌هایش گذاشته می‌شد.

البته مؤلف محترم می‌توانست در انتهای کتاب و به عنوان ملحقات، عکس‌هایی از اماکن مهم زیارتی قرار دهد، اماکنی که شهرت چندانی ندارند؛ مثل آرامگاه حضرت دانیال نبی علیه السلام در شوش، نه زیارت‌گاه‌هایی که برای همه شناخته شده‌اند؛ مثل: بارگاه حضرت امام رضا علیه السلام در مشهد و بارگاه حضرت معصومه علیه السلام در قم.

۹. چنان‌که از کتاب‌نامه برمی‌آید، از منابع عربی استفاده‌ای نشده است، در حالی که در تدوین اثری که درباره مسأله زیارت است، نگاه به منابع عربی، از جمله کتب حدیثی لازم و ضروری است. نگاه به زیارت، فلسفه و فوائد آن، همه از جمله مطالبی است که تنها در روایات آمده است.

البته مؤلف محترم چندان به این مباحث نپرداخته، در حالی که اگر به جای مباحث غیر ضروری و درج نمودارهای نه چندان سودمند بیشتر به این مباحث می‌پرداخت،